

اللہ = خدا



چرا نماز را فارسی نخوانیم؟

فکر چاره افتادند. آنان پس از تبادل نظر با یکدیگر، تصمیم گرفتند با نصیحت ما را از این کار بازدارند و اگر مؤثر نبود، راهی دیگر برگزینند. چون پنجاهای ایشان مؤثر نیفتاد، ما را نزد یکی از روحانیان آن زمان بردند. آن روحانی وقتی فهمید ما به زبان فارسی نماز می‌خوانیم، به شیوه‌ای اهان‌آمیز، نجس و کافرمان خواند. این عمل او ما را در کارمان راسخ‌تر و مصر‌تر ساخت. عاقبت یکی از پدران، والدین دیگر افراد را به این فکر انداخت که ما را به محضر حضرت آیت‌الله حاج‌آقا رحیم ارباب ببرند و این فکر مورد تأیید قرار گرفت. آنان نزد ایشان شتافتند و موضوع را با وی در میان نهادند. او دستور داد در وقتی معین ما به خدمتش برویم. در روز موعود، ما را که تقریباً پانزده نفر بودیم، به محضر مبارک ایشان بردند.

در همان لحظه اول، چهره نورانی و خندان وی ما را مجذوب ساخت. آن بزرگ‌مرد را غیر از دیگران یافتیم و دانستیم که با شخصیتی استثنایی روبه‌رو هستیم. آقا در آغاز دستور پذیرایی از همه ما را صادر فرمود. سپس به والدین ما فرمود: شما که به فارسی نماز نمی‌خوانید، فعلاً تشریف ببرید و ما را با فرزندان تنها بگذارید. وقتی آنان رفتند، به ما فرمود: بهتر است شما یکی یکی خودتان را معرفی کنید و بگویید در چه سطح تحصیلی و چه رشته‌ای درس می‌خوانید. آن‌گاه به تناسب رشته و کلاس ما، پرسش‌های علمی مطرح کرد و از درس‌هایی مانند جبر و مثلثات و فیزیک و شیمی و علوم طبیعی مسائلی پرسید که پاسخ اغلب آن‌ها از توان ما بیرون بود. هر کس از عهده پاسخ بر نمی‌آمد، با اظهار لطف وی و پاسخ درست پرسش روبه‌رو می‌شد.

پس از آن‌که همه ما را خلع سلاح کرد، فرمود: شما نگران شده‌اند که شما نمازتان را به فارسی

بعضی از جوان‌ها در کلاس سؤال می‌کنند: چرا نماز را فارسی نخوانیم و یا چرا اذان را فارسی نگوئیم تا تأثیر بیشتری روی مستمعان داشته باشد؟

دل‌بستگی مسلمانان به «زبان وحی»، علاوه بر حفظ رمز وحدت و بهره‌مندی از نزدیک‌ترین پیوستگی آوایی با پیامبر اسلام (ص) و امامان (ع)، از نظر محتوا و ژرفای معنا نیز بسیار شایان توجه است. خوب است در این باره داستانی شیرین و خواندنی بازگو شود: دارالعلم اصفهان - که از ابتدای قرون اسلامی تاکنون در انتشار و توسعه علوم و تربیت دانش‌پژوهان جایگاهی خاص داشته - در قرن اخیر نیز پرورش‌دهنده بسیاری از مشعل‌داران دانش و تقوا بوده است. فقیه وارسته و دانشمند مهذب، **حاج آقا رحیم ارباب**، یکی از این شخصیت‌هاست.

این عالم فرهیخته در سال ۱۲۹۷ ق در «چرمهین» از توابع لنجان [ارباب معرفت: ص ۱۰۹] دیده به جهان گشود. در کودکی همراه پدرش به اصفهان رفت و پس از آموزش مقدمات ادبی و بخشی از سطح، در محضر استادانی چون **حاج میرزا بدیع** (م ۱۳۱۸ ق) و **علامه آقا سید محمدباقر درچه‌ای** (م ۱۳۴۲ ق) به تکمیل اصول و فقه پرداخت. سپس از محضر **آیت‌الله سید ابوالقاسم دهکردی** (م ۱۳۵۳ ق) و **آیت‌الله حاج آقا منیر احمدآبادی** (متوفای ۱۳۴۲ ق) بهره برد و در خدمت دو فیلسوف بزرگ، **آخوند ملا محمد کاشی** و **حکیم جهانگیرخان قشقایی**، فلسفه، هیئت و ریاضیات آموخت.

ارباب پس از یک قرن تحصیل و تدریس و اقامه نماز جمعه و جماعت و حضور در صحنه‌های علمی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی، در سال ۱۳۹۶ ق جهان خاکی را بدرود گفت. یک‌بار **دکتر محمدجواد شریعت** با جمعی از دانشجویان، با مرحوم **حاج آقا رحیم ارباب** اصفهانی دیدار کرد. وی خاطره آن ملاقات را چنین بازمی‌گوید:

در سال ۱۳۳۲ ش بود، من و عده‌ای از جوانان پر شور آن روزگار، پس از تبادل نظر و مشاجره، به این نتیجه رسیده بودیم که چه دلیلی دارد نماز را به عربی بخوانیم؟ چرا نماز را به زبان فارسی نخوانیم؟ عاقبت تصمیم گرفتیم نماز را به فارسی بخوانیم و همین کار را هم کردیم. والدین ما کم‌کم از این موضوع آگاهی یافتند و به



الله قابل ترجمه نیست، زیرا اسم خاص خداست و اسم خاص را نمی توان ترجمه کرد

می خوانید، آنان نمی دانند من کسانی را می شناسم که - نعوذ بالله - اصلاً نماز نمی خوانند!! شما جوانان پاک اعتقادی هستید که هم اهل دین هستید و هم اهل همت. من در جوانی می خواستم مثل شما نماز را به فارسی بخوانم، ولی مشکلاتی پیش آمد که نتوانستم. اکنون شما به خواسته دوران جوانی ام جامعه عمل پوشانیده اید. آفرین به همت شما! در آن روزگار، نخستین مشکل من ترجمه صحیح سوره حمد بود که لابد شما آن را حل کرده اید. اکنون یکی از شما که از دیگران مسلط تر است، بگوید «بسم الله الرحمن الرحيم» را چگونه ترجمه کرده است؟

یکی از ما به عادت دانش آموزان دستش را بالا گرفت و برای پاسخ دادن داوطلب شد. آقا با لبخند فرمود: خوب شد طرف مباحثه ما یک نفر است، زیرا من از عهده پانزده جوان نیرومند بر نمی آمدم. بعد به آن جوان فرمود: خوب، بفرمایید «بسم الله» را چگونه ترجمه کرده اید؟ آن جوان گفت: طبق عادت جاری، به نام خداوند بخشنده مهربان. حضرت ارباب لبخند زد و فرمود: گمان نمی کنم ترجمه درست چنین باشد. در مورد «بسم» ترجمه «به نام» عیبی ندارد. اما «الله» قابل ترجمه نیست؛ زیرا اسم علم (خاص) خداست و اسم خاص را نمی توان ترجمه کرد. برای مثال، اگر اسم کسی «حسن» باشد، نمی توان به آن گفت «زیبا». ترجمه «حسن» زیباست، اما اگر به آقای حسن بگویم آقای زیبا، خوشش نمی آید. کلمه «الله» اسم خاصی است که مسلمانان بر ذات خداوند متعال اطلاق می کنند. نمی توان «الله» را ترجمه کرد، باید همان را به کار برد.

خب «رحمان» را چگونه ترجمه کرده اید؟ رفیق ما پاسخ داد: بخشنده. حضرت ارباب فرمود: این ترجمه بد نیست، ولی کامل نیست.

زیرا «رحمان» یکی از صفات خداوند است که شمول رحمت و بخشندگی او را می رساند و این شمول در کلمه بخشنده نیست؛ «رحمان»، یعنی خدایی که در این دنیا هم بر مؤمن و هم بر کافر رحم می کند و همه را در کف لطف و بخشندگی خود قرار می دهد و نعمت رزق و سلامت جسم و مانند آن عطا می فرماید. در هر حال، ترجمه بخشنده برای «رحمان» در حد کمال ترجمه نیست. خوب، رحیم را چه طور ترجمه کرده اید؟ رفیق ما جواب داد: «مهربان».

آیت الله ارباب فرمود: اگر مقصودتان از «رحیم» من بودم - چون نام وی رحیم بود - بدم نمی آمد «مهربان» ترجمه کنید، اما چون «رحیم» کلمه ای قرآنی و نام پروردگار است، باید درست معنا شود. اگر آن را «بخشاینده» ترجمه کرده بودید، راهی به دهی می برد، زیرا «رحیم» یعنی خداوندی که در آن دنیا گناهان مؤمنان را عفو می کند. پس آن چه در ترجمه «بسم الله» آورده اید، بد نیست، ولی کامل نیست و اشتباهاتی دارد. من هم در دوران جوانی چنین قصدی داشتم، اما به همین مشکلات برخوردیم و از خواندن نماز فارسی منصرف شدم. تازه این فقط آیه اول سوره «حمد» بود، اگر به دیگر آیات بپردازیم، موضوع خیلی پیچیده تر می شود. اما من معتقدم، شما اگر باز هم بر این امر اصرار دارید، دست از نماز خواندن به فارسی بردارید، زیرا خواندنش از نخواندن نماز به طور کلی بهتر است.

در این جا، همگی شرمنده، منفعل و شکست خورده، از وی عذرخواهی کردیم و قول دادیم ضمن خواندن نماز به عربی، نمازهای گذشته را اعاده کنیم. ایشان فرمود: من نگفتم به عربی نماز بخوانید، هر طور دلتان می خواهد بخوانید. من فقط مشکلات این کار را برای شما شرح دادم.

ما همه عاجزانه از وی طلب بخشایش و از کار خود اظهار پشیمانی کردیم. آیت الله ارباب، با تعارف میوه و شیرینی، مجلس را به پایان برد و در حالی که ما را بدرقه می کرد، خداحافظی کردیم. بعد نمازها را اعاده کردیم و از کار جاهلانه خود دست برداشتیم. بنده از آن به بعد، گاه به حضور آن جناب می رسیدیم و از خرم علم و فضیلت وی خوشه ها بر می چیدم و ... *

کتاب پرسش ها و پاسخ های دانشجویی

* اداره مشاوره و پاسخ به سوالات نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها.